



Participatory budgeting model in the university program and budget subsystem

Ali Mohammadi Bazargani ¹ | Hamid Mortazaniya ^{2*}

Research Paper

Received:
2024/02/10
Revised:
2024/02/10
Accepted:
2025/02/10
Published:
2024/02/10

ISSN: 2251-6980
E-ISSN: 2645-5234

Abstract

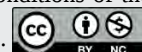
The purpose of this research is to identify and prioritize the model of participatory budgeting in the subsystem of university program and budget. The current research is qualitative-quantitative and exploratory in terms of its practical purpose and method. The data were collected in two library and field stages, including semi-structured interview and two-situation-multiple-choice questionnaire, and in terms of data analysis method, in this research, content analysis, thematic analysis, and structural equation modeling technique have been discussed. The theme analysis was identified and refined and reviewed by experts; Then the findings of the research in the two areas of descriptive results of demographic characteristics and descriptive results of the research were analyzed and reported with the help of SPSS and PLS software. Regarding the classification of these factors, which was obtained based on data refinement through PLS software, it shows five dimensions, 9 components and 32 indicators. (sub-component) was confirmed, according to the investigations that were carried out and weighting using multi-criteria decision-making methods, respectively, the dimensions of executive requirements, systems, culture, structure and resources were important, each of these factors has its own component and Key indicators for the realization of the participatory budgeting model in the academic financial system.

Keywords: Budgeting, participatory budgeting, university system, transparency, university budgeting.

DOR:

1. Financial Management, Faculty of Management and Strategic Planning, Imam Hossein (AS) University, Tehran, Iran. Amb7011@gmail.com
2. Corresponding Author: Ph.D, Financial Management, Faculty of Management and Strategic Planning, Imam Hossein (AS) University, Tehran, Iran. Mortazaniya@ihu.ac.ir

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution Non-Commercial (CC-BY-NC) license.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۱۲/۲۷

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۲/۰۳/۲۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۳/۲۱

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۰۴/۱۴

شاپا چاپی: ۶۹۸۰-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۲۳۴-۲۶۴۵

ابعاد و مولفه های رهبری اسلامی مبتنی بر بیانات امام حسین علیه السلام

سید علی اصغر علوی^۱ | علی رضاییان^۲

چکیده

موضوع رهبری یکی از موضوعات کلیدی در حوزه علم مدیریت است که در سال های اخیر مورد توجه بسیاری از اندیشمندان علم مدیریت قرار گرفته است. عمده این پژوهش ها برپایه مطالعه الگوهای رهبری و رهبران موفق دنیا انجام شده است. مطالعه رهبران آسمانی که تمام اعمال و بیانات آنها بی عیب و نقص است و می تواند به عنوان الگوی رهبران مطرح شوند، بسیار ضروری است. در اسلام نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام به عنوان الگوهای رهبری مطرحند که لازم است مورد مطالعه قرار گیرند. در این مقاله، تلاش گردید با مطالعه بیانات برگزیده امام حسین علیه السلام، ابعاد و مولفه های رهبری اسلامی مورد مذاقه قرار گیرد. روش این پژوهش از نوع کیفی است و تحلیل داده های متنی نیز با روش تحلیل مضمون انجام شده است. یافته های پژوهش در سه دسته کلان، رهبری، شرایط رهبری و پیروان ارائه شده است. دسته رهبری به اصول رهبری و شرایط رهبری به بسترهای رهبری و پیروان نیز به زمینه های پیرو ساز پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می دهد که اصول رهبری اسلامی عبارتند از: رهبری جامع نگر، رهبری براساس مخاطب شناسی، انعطاف پذیری و خلاقیت در روش ها، الهام بخشی از طریق شعارها، به کارگیری ابزارهای غیر کلامی، ترکیب استدلال و عاطفه، رهبری در بحران، روشنگری و بصیرت افزایی، عاقبت نگر، رهبری با محوریت دل و عواطف، رهبری اخلاقی در جنگ، استقامت در مسیر اصول. شرایط رهبری نیز شامل بستر خیرخواهی، بستر سخت کوشی، بستر پیگیری، بستر امیدواری، بستر یادآوری، بستر رصد لحظه های ناب است. در بعد پیروان نیز می توان به این موارد اشاره کرد: بستر عاطفی- تربیتی، بستر تعاون، بستر محرک، بستر نیازمندی، بستر اجتماعی.

کلیدواژه ها: رهبری، امام حسین علیه السلام، رهبری اسلامی، رهبر، پیرو، مدیریت اسلامی؛ DOR:

مدیریت عاشورایی

۱. نویسنده مسئول: دکتری تخصصی قرآن و مدیریت جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران. modirekarbala313@chmail.ir

۲. استاد دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران.



مقدمه

یکی از موضوعات اساسی که در علم مدیریت مورد توجه قرار گرفته است موضوع رهبری است. اگر فرایند رهبری در یک مجموعه به درستی پیاده سازی شود موجب موفقیت‌های چشم گیری خواهد شد. رهبران محدود به زمان حاضر نمی شوند بلکه از آغاز تاریخ ثبت شده، رهبران مختلفی در حوزه های مختلف ظهور پیدا کردند.

در ادبیات هر عصری اشاره به رهبران خوب و بد، بهترین دلیل برای جستجوی رهبران خوبی است که وجه مشترک تمام تمدن بشری بوده اند (میلر، ۱۹۹۶، ۴۲). از منظر شواهد پژوهشی، رهبری اثر بخش، هم با عملکرد بهتر و هم اخلاقی تر همراه است، بنابراین کاوش برای راه‌های شناسایی و پرورش رهبران خوب باید ادامه یابد (دوکرچ و دیگران، ۱۹۹۰، ۴۷۳).

در طول تاریخ ثابت شده که موفقیت یا شکست در جنگ ها، امور تجاری، مسابقه های ورزشی و گروه های معترض سیاسی تا حدود زیادی به رهبری آنها مربوط می شود. علی رغم توجه به اهمیت رهبری، این موضوع هنوز به صورت یک راز باقی مانده است. اهمیت موضوع رهبری در سازمانها باعث شد که اندیشمندان و محققان مدیریت در پی کشف ویژگی ها و خصوصیات رهبران موفق در سازمانها برآیند و همواره در تلاش باشند تا مشخصات رهبر موفق را در سازمان ذکر کنند. در پی این تلاشها در دهه های اخیر مکاتب رهبری و نظریات متعددی در زمینه رهبری شکل گرفته و به جامعه علمی معرفی شده است.

برای پرداختن به موضوع رهبری لازم است به الگوهای رهبری مراجعه شود و تا با مطالعه آنها، ابعاد و مولفه های رهبری استخراج گردد. یکی از موضوعات مهم در حوزه رهبری، مطالعه رهبران الهی و اسلامی است. استخراج و شناخت این ابعاد و مولفه ها از زندگی رهبرای الهی و اسلامی می تواند کمک زیادی در شناسایی رهبران موفق و همچنین الگوبرداری از آنها برای پیاده کردن در سایر موارد نماید. یکی از الگوهای رهبری اسلامی، رهبری امام حسین علیه السلام است که توانست بقای دین مبین اسلام را تضمین نماید. در این راستا در این پژوهش تلاش شده است رهبری امام حسین علیه السلام به ویژه در حوزه بیانات ایشان مورد مذاقه قرار گیرد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

رهبری: در تحقیقات انجام شده تعاریف زیادی برای مقوله‌ی رهبری ارائه شده است. تعداد این تعاریف و تفاوت آن‌ها اکثراً در معناست. در این جا تعریفی ارائه می‌شود که به منزله‌ی نوعی توافق کاربردی است.

رهبری عبارت است از فرایند الهام بخشیدن، نفوذ و هدایت دیگران برای مشارکت دیگران برای مشارکت دسته جمعی. رهبران برای تشویق پیروان به مشارکت، همه‌ی اختیار و قدرتی که دارا هستند را با ویژگی‌های شخصیتی، چشم اندازها و مهارت‌های اجتماعی تکمیل می‌کنند. رهبری را دستیابی به نتیجه‌ای فراتر از آن‌چه از نظر علم امکان پذیر است، گفته‌اند (کریتنر، ۱۳۸۷، ۳۹۲).

به نظر یک گروه رهبری عبارت است از اقدام برای ترغیب دیگران به تلاش مشتاقانه برای نیل به اهداف معین. برخی نیز معتقدند که رهبری یعنی فعالیت‌هایی که مردم را برای تلاش مشتاقانه در جهت تحقق اهداف گروهی، تحت تاثیر قرار می‌دهد. به دیگر سخن، رهبری عبارت است از تحت تاثیر قرار دادن دیگران برای کسب هدف مشترک (رضاییان، ۱۳۸۴: ۴۲۳).

برخی از پژوهشگران نیز تلاش کردند با رویکرد اسلامی به این موضوع بپردازند. آفاپروز و همکارانش (۱۴۰۰) معتقدند که سبک رهبری با نوع انسان‌شناسی ارتباط وثیقی دارد در صورت اعتقاد به کرامت ذاتی انسان، نحوه رهبری و تعامل با او کریمانه، و در صورت تصور او به منزله موجودی لثیم و پست، شیوه رهبری، مستبدانه و خوارکننده خواهد بود. براساس مبنای انسان‌شناسی اسلام و با توجه به کرامت ذاتی انسانها، اصل در تعامل با چنین موجودی نمی‌تواند شدت عمل و اعمال خشونت باشد بلکه لازم است اصل رافت، نرمش و مدارا بر راهبری و هدایت سازمانی افراد حاکم باشد. با توجه به ابتدای این شیوه رهبری بر انسان‌شناسی اسلام، این سبک رهبری را رهبری کریمانه می‌نامیم. رهبری کریمانه بر کرامت ذاتی انسانها استوار است و در تعامل با افراد، نرمش را اصل اولی می‌داند و عدول از نرمش را جزء در موارد ضرور، مجاز نمی‌شمارد. عدم توافق درباره‌ی تعریف رهبری از این واقعیت نشأت می‌گیرد که رهبری تعامل پیچیده میان رهبر، پیروان و وضعیت را در بر دارد. برای مثال برخی از پژوهشگران رهبری را بر حسب صفات جسمانی و شخصیتی تعریف می‌کنند در حالی که برخی دیگر بر این باورند که رهبری

توسط مجموعه ای از رفتارهای تجویز شده نشان داده می شود. در مخالفت سایر پژوهشگران باور دارند که رهبری نقشی موقتی است که توسط هر کس می تواند ایفا شود. به هر حال وجه مشترک تعاریف گوناگون رهبری، نفوذ اجتماعی است (کریتر، ۲۰۰۴، ۵۹۵).

با مرور تعاریف رهبری و بررسی رویکرد اسلامی وجوه مشترک تعاریف و محتوای رویکرد اسلامی در قالب جدول ذیل قابل ارائه است:

جدول ۱. تجزیه و تحلیل تعریف رهبری اسلامی

رویکرد اسلامی	وجوه رهبری
نفوذ و الهام بخشی	ماهیت رهبری
رشد، هدایت و تعالی فردی و سازمانی	فرایند رهبری
تقرب الی الله	هدف رهبری

براساس جدول فوق در این پژوهش این تعریف برای رهبری اسلامی قابل ارائه است: رهبری اسلامی عبارت است از نفوذ و الهام بخشی در انسانها در جهت رشد، هدایت و تعالی فردی و سازمانی آنها در مسیر تقرب الی الله.

مطالعات زیادی از حدود هشتاد سال پیش در زمینه تبیین تئوریهای رهبری انجام گرفته است که در چهار گروه به شرح زیر دسته بندی شده اند:

-نظریه های ویژگی یا صفات رهبری: در این گروه از نظریات برای رهبر خصوصیتی ذاتی ذکر می گردد. بر اساس این نظریات رهبران ابرمردانی هستند که به علت ویژگی هایی که موهبت الهی است شایسته رهبری گردیده اند.

-نظریه های رفتاری رهبری: در این گروه از نظریات به جای صفات شخصی بر آنچه که رهبران انجام می دهند تاکید می کنند. در این نظریه به جای آنکه مشخص کنند چه کسانی رهبران موثری هستند، کوشش می شود تا معین شود که رهبران چه می کنند.

- نظریه های اقتضایی: پژوهشگرانی که در زمینه روشهای مبتنی بر ویژگی های شخصیتی و رفتار تحقیق می کردند در صدد شناسایی عواملی بر آمدند که در هر شرایط و موقعیتی می توانست شیوه یا سبک به خصوصی از رهبری را موفق نماید. این تئوریهها بر روی هم به این نتیجه انجامید که یک روش اقتضایی در رابطه با رهبری ارائه شود.

- آخرین دیدگاهها درباره رهبری: علاوه بر تئوری های رهبری که اشاره شد، دیدگاههای متعدد دیگری در حال به وجود آمدن هستند که بیش از پیشری در فرایند رهبری ایجاد می کنند. در این تئوریهها توجه به خصوصیات شخصی رهبر تاکید شده است ولی از رویکرد مثبت نگریسته شده است (سیف، ۱۳۹۲).

جمع بندی نظریات رهبری در قالب جدول زیر ارائه می گردد:

جدول ۲. مکاتب رهبری

مکاتب رهبری	انواع نظریه ها
صفات و ویژگی های رهبری	ویژگی های شخصیتی
نظریه های رفتاری رهبری	مطالبات رهبری دانشگاه آیووا- مطالعات دانشگاه ایالتی اوهایو- مطالعات دانشگاه میشیگان- نظریه سبکهای چهارگانه لیکرت- نظریه شبکه مدیریتی بلیک و موتون-
نظریه های اقتضایی	نظریه مدل اقتضایی فیدلر- نظریه رهبری مبتنی بر مسیر-هدف- نظریه رهبری مشارکتی- نظریه موقعیتی هرسی و بلانچارد- نظریه تانن بام و اشمیت-
آخرین نظریه های رهبری	نظریه جایگزین های رهبری- نظریه رهبری کاریزماتیک- نظریه رهبری پرجاذبه هاوس- نظریه رهبری پرجاذبه کانگر و کانگو- نظریه رهبری الهام بخش- نظریه رهبری بصیر- نظریه رهبری تبادلی- نظریه رهبری تحول آفرین- نظریه رهبری تیمی- نظریه رهبری خدمتگزار نظریه مدل رهبری خدمتگزار پترسون- رهبری اخلاقی- رهبری متعالی- نظریه رهبری سطح پنجم

پیشینه پژوهش

در حوزه این پژوهش، پژوهشهای مختلفی صورت گرفته است که در جدول ذیل به مواردی اشاره می شود:

جدول ۳. پیشینه مطالعات رهبری

ردیف	منبع	موضوع محوری	توضیحات
۱	سعیدی و همکاران، ۱۴۰۲	طراحی الگوی رهبری خدمتگزار از منظر قرآن کریم	در این پژوهش با مرور پژوهشهای گذشته، و همچنین بررسی آیات قرآن کریم، شاخصای رهبری خدمتگزار در قالب نظام مند روش داده بنیاد ارائه شده است
۲	مقیم، ۱۳۹۹	جوهره مکتب شهید سلیمانی	این پژوهش، جوهره مکتب شهید سلیمانی را رهبری اخلاص مدار می داند. ایشان بیان می کنند که مکتب شهید سلیمانی نمونه عملی و تبلور واقعی سازمان آخرت‌گرا در مدیریت اسلامی است که از جنبه‌های مختلف قابل مطالعه است. در نهایت مبتنی بر تحلیل مضمون و شبکه مضمونها، الگویی فرایندی مبتنی بر عوامل زمینه‌ساز رهبری خالصانه، مختصات رهبری اخلاص‌مدار و دستاوردهای این نوع رهبری طراحی و تبیین شود. در این الگو مجموعه‌ای از عوامل تأثیرگذار بر اخلاص شهید سلیمانی با عنوان عوامل زمینه‌ساز مطرح شده‌اند که به عنوان ورودی الگو ایفای نقش می‌کند؛ سپس در این الگو اجزای رهبری بر مبنای اخلاص در قالب نه مضمون فراگیر گروه‌بندی شده‌اند که هسته مرکزی آن که همانا رفتارهای خالصانه است، به عنوان مهمترین مضمون تأثیرگذار با مضمونهای دیگر در تعامل است. در پایان دستاوردهای رهبری بر مبنای اخلاص شهید سلیمانی نیز در قالب شش مضمون مورد توجه قرار گرفته است و نیز با عنایت به داده‌های مستخرج از سیره نظری و عملی شهید سلیمانی، مقیاس سنجش سبک رهبری اخلاص‌مدار طراحی گردیده است. این ابزار شامل ۱۲۲ پرسش پنج‌مقیاسی و ۴۹ شاخص است که در قالب ده خوشه اصلی طبقه‌بندی شده است
۳	موسوی و همکاران، ۱۴۰۰	ارائه و تحلیل الگوی رهبری تحول‌آفرین از منظر قرآن کریم	مضامین فراگیر در قالب مفاهیمی مانند مبانی فکری، اصول رهبری، رفتارهای تحول‌آفرینانه، بازخورد رهبری تحول‌آفرین، نتایج رهبری تحول‌آفرین و در نهایت مؤلفه‌های رهبری شکل گرفت. آنچه از مجموع آیات بررسی شده به دست می‌آید این

جدول ۳. پیشینه مطالعات رهبری

ردیف	منبع	موضوع محوری	توضیحات
			است که در مواردی آیات قرآن کریم نظریات اندیشمندان مدیریت را مورد تأیید قرار داده و در مواردی، نگاهی اصلاحی و در برخی موارد نیز نظریات خاصی ارائه می‌دهد که ناشی از جهان‌بینی متفاوت بین این دو دیدگاه است
۴	قنادان زاده و همکاران، ۱۴۰۱	ابعاد رهبری تعالی بخش علوی بر مبنای نهج البلاغه	مدل رهبری تعالی بخش مبتنی بر شخصیت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، شامل شش بعد اصلی «هدایت راهبردی»، «هم‌افزایی میان فردی»، «پرورش قدرت شناختی»، «تقویت آینده‌نگری راهبردی»، «توسعه زیرساخت‌های رشد» و «پشتیبان در توسعه فردی» است. در مجموع الگوی رهبری تعالی بخش علوی، نه تنها می‌تواند یک جایگزین مناسب و اسلامی بر سبک رهبری تحول‌آفرین غربی باشد، بلکه می‌تواند به عنوان یک الگوی کامل و بی نقص به جهانیان معرفی شود؛ چرا که انتقادات وارده به سبک رهبری تحول‌آفرین مانند سوءاستفاده از قدرت و عدم توجه به اخلاق، دیگر در الگوی رهبری تعالی بخش علوی مطرح نیستند
۵	رحمتی و همکاران، ۱۳۹۵	الگوی رهبری امام حسین (ع) در قیام عاشورا	۲۶ مضمون پایه در یازده مضمون سازمان‌دهنده طبقه‌بندی شد و در پایان نیز به منظور ارائه الگوی رهبری امام حسین (ع) در قیام عاشورا، یازده مضمون یاد شده در سه مضمون فراگیر هدف، اصول و روشها قرار گرفت. در میان مضمونهای سازمان‌دهنده، هفت مضمون ظلم‌ستیزی، خدامحوری، اخلاق‌مداری، احکام‌محوری، عقل‌گرایی، تکلیف‌محوری و بصیرت‌محوری به اصول رهبری امام حسین (ع) اشاره دارد
۶	لطیفی و همکاران، ۱۳۹۵	اصول مدیریت در سیره امام حسین علیه السلام و دلالت‌های آن برای دانش مدیریت	با مطالعه منابع معتبر و مورد تأیید خبرگان در حوزه عاشورا ابتدا ۲۰۷ شناسه اولیه استخراج شد. در گام بعدی ۸۰ مضمون پایه شناسایی شد که از بررسی و جمع‌بندی این مضامین پایه، ۴۱ مضمون سازمان‌دهنده استخراج گردید. سرانجام تمام مضمونهای سازمان‌دهنده ذیل چهار مضمون فراگیر قرار

جدول ۳. پیشینه مطالعات رهبری

ردیف	منبع	موضوع محوری	توضیحات
			گرفت: اصول ناظر به ویژگیهای مدیر و رهبر، اصول ناظر به مدیریت افراد و همکاری، اصول ناظر به هدف، راهبرد و برنامه ریزی و اصول ناظر به رویارویی با محیط، مضامین فراگیر و اصول کلانی است که از سیره امام حسین (ع) استخراج شد که می توان از آنها دلالتهایی برای طراحی اصول علم مدیریت بر اساس منابع دینی استخراج کرد
۷	خنیفه، ۱۳۹۳	مولفه مدیریتی انگیزش در قیام امام حسین و ابعاد آن	این پژوهش به این مهم پرداخته است که سیر تاریخی نظریه های انگیزش بیشتر گرایش به سائقها و نیازهای فرودین دارد. مسائل فراانگیزشی در قضایایی از این دست مانند قضیه کربلا بسیار فرائدتر از توقف در چند اصطلاح مدیریتی است؛ برای مثال در هیچ کدام از نظریات انگیزشی قدیم و جدید مقوله هایی مانند فناشدن، فدا شدن، غایت انگاری، پیوند عمیق با هدف، استقبال از خطر محتوم، معامله با خدا و استقبال از هر پیشامد مشاهده نمی شود و بدون تردید این واقعه شگفت و انگیزشی از یک مدل بسیار متفاوتی پیروی می کند که در آن تحقیق به آن پرداخته است.
۸	خاکسار، ۱۳۹۵	تبیین دلالت های حماسه حسینی در رشد سرمایه انسانی	مسئله اصلی این پژوهش، شناخت مسیر اصلی فرآیند رشد سرمایه ی انسانی با توجه به آموزه های دینی و سیره اهل بیت است که بر همین اساس، این پژوهش به دنبال تبیین دلالت های حماسه ی حسینی در رشد سرمایه انسانی بوده و در پی آن است که با روش تحلیل مضمون، اصول متناسب با سازمان را از دل این برهه از تاریخ استنباط نماید.
۹	مکسر، ۱۳۹۸	بنای قرآن کریم برای رهبریت الهی (مطالعه موردی امام حسین)	این پژوهش درباره مفهوم رهبر الهی حقیقی می باشد و سپس به قرآن رجوع کرده تا درباره این مساله تحقیق نموده و مصادیقی را از این کتاب بیاورد، و عناصر بنایی آن برای رهبری الهی را با شیوه وصفی تحلیلی بیان کند، سپس به جهان واقعی برگردد تا نمونه کاربردی و رهبر الهی حقیقی یعنی امام حسین علیه السلام را مورد بررسی قرار دهد. یکی از

جدول ۳. پیشینه مطالعات رهبری

ردیف	منبع	موضوع محوری	توضیحات
			نتایج برجسته این پژوهش این است که برخی ویژگی‌ها هستند که خداوند تعالی در قرآن کریم آن‌ها را ترسیم کرده است و برای آن‌ها تصویر و مصداق واضح و دقیقی مانند عاشورا انتخاب کرده است.
۱۰	علوی، ۱۳۹۳	مبانی مدیریت عاشورایی (روش شناسی و رویکردها)	نویسنده این کتاب را به صورت یک دایره المعارف تنظیم نموده و هدف از آن را ارائه محوری ترین مباحث مرتبط با مدیریت عاشورایی با تاکید بر الگوی رهبر و پیروان در عاشورا میداند. این پژوهش به طور ویژه به الگوی رهبری از طریق گفتگوهای امام حسین ع توجه داشته است.

این پژوهش‌ها بیشتر به ارتباط مسائل مدیریتی از منظر موضوعات عاشورایی و شخصیت امام حسین دارند. در یک نگاه کلی میتوان اینگونه جمع بندی نمود که پژوهشهای موجود چه در موضوع امام حسین و عاشورا کمتر وارد مسائل کلان مدیریتی مانند رهبری که یکی از راهبردی ترین عرصه های دانش مدیریت است، شده اند.

روش پژوهش

به طور خلاصه با توجه به نیاز پژوهش می توان گفت که این تحقیق از لحاظ فلسفه پژوهش، تفسیری؛ از لحاظ جهت گیری پژوهش، بنیادی؛ از لحاظ رویکرد پژوهش، استقرایی؛ از لحاظ نوع پژوهش، کیفی و از لحاظ صبغه پژوهش، پژوهش کتابخانه ای است که براساس استراتژی پژوهشی تحلیل مضمون که یکی از استراتژی های پژوهش های کیفی به شمار می رود، انجام خواهد شد. شیوه گردآوری داده ها نیز بر اساس اسناد و مدارک کتابخانه ای خواهد بود (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۶).

تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده های متنی است و داده های پراکنده و متنوع را به داده هایی غنی و تفصیلی تبدیل می کند. تحلیل مضمون، صرفاً روش کیفی خاصی نیست، بلکه

فرایندی است که می تواند در اکثر روش های کیفی به کار رود. به طور کلی، تحلیل مضمون، روشی است برای:

الف- دیدن متن

ب- برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهرا نا مرتبط

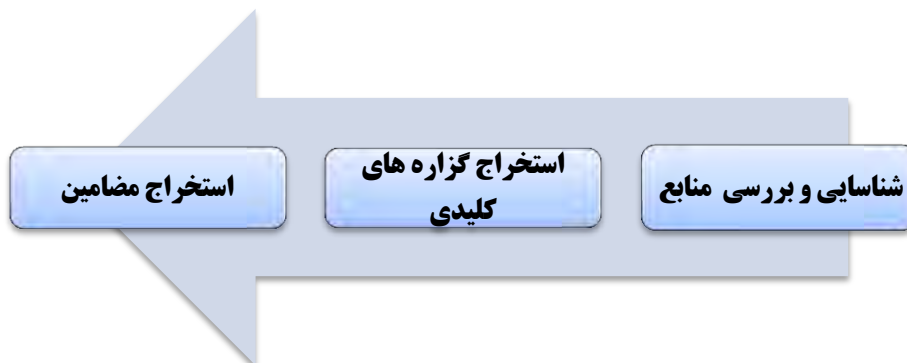
ج- تحلیل اطلاعات کیفی

د- مشاهده نظام مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ

ه- تبدیل داده های کیفی به داده های کمی (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۵۳)

تحلیل مضمون یکی از روشهای متداول در تحلیل کیفی است. به هر حال آن به عنوان یک روش با جزییات کمتری گفته شده و توجه اندکی به آن شده است. این نشان می دهد که به راحتی قابل دستیابی برای تازه کارها نیست. این فن مثل سایر فنون کیفی مبتنی بر یک نظریه خاصی نیست. در روش تحلیل مضمون وظیفه محقق شناخت تعداد محدودی از مضمونهاست که به طور کافی بازتاب دهنده داده های متنی است. این کار کار ساده ای نیست. در اینجا محقق برای ارتباط سازی بین داده ها باید داده ها را کدگذاری نماید. در اینجا محققین توصیف لفظی مختصری برای مجموعه ی قابل توجهی از داده ها انجام می دهند. ممکن است تحلیلگر برای هر دو یا سه خط از داده ها یک کدی اختصاص دهد البته قاعده خاصی برای آن وجود ندارد و ممکن است در موارد گوناگون، متفاوت باشد. بعد از کدگذاری محقق باید تلاش کند تمهایی را شناسایی کند که مجموعه ای از این کدها را یکپارچه نماید. محقق نیاز دارد که هر مضمون را به صورت شایسته ای شناسایی نماید لذا آن برای دیگران به صورت دقیق روشن خواهد شد که مضمون چیست (کرامر و هاویت، ۲۰۰۷، ۴۰۰).

در واقع در اینجا بصورت متوالی هر گزاره معنی دار را با تمام گزاره های قبلی مقایسه نموده و خوشه های مشابه توسط کدهای یکسان برچسب گذاری می شود بعد از اینکه گزاره ها کدگذاری شدند. کدها بوسیله تشابهاتشان گروه بندی شده بر مبنای هر گروه بندی یک «مضمون» ایجاد می شود. مراحل انجام این پژوهش در قالب نمودار ذیل قابل ارائه است:



نمودار ۱. مراحل پژوهش

این تحقیق برای جمع آوری اطلاعات از روش اسنادی کتابخانه‌ای (یادداشت برداری به صورت تحلیلی توصیفی) بهره خواهد برد. همچنین مقاله حاضر می‌کوشد به پشتوانه متون تاریخی و عنایت به بیانات سیدالشهدا، ابعاد و مولفه های رهبری حضرت را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد.

یافته‌های پژوهش

از آنجا که گزارش کامل گزاره های پژوهش خارج از حجم مقاله است؛ در این بخش، منتخبی از گزاره های کلیدی و مضامین استخراج شده در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۴. منتخبی از گزاره های کلیدی و مضامین استخراج شده

مضمون فراگیر	مضمون سازماندهنده	مضمون پایه	گزاره های کلیدی
رهبری	روشننگری و بصیرت افزایی	رهبری از طریق گفتگو	آن جا که به عبیدالله بن حر جعفی رسیده و خود به سراغ او می رود (وقتی او دعوت حسین را جواب نمی‌دهد) و در آن جا از گناهان زیادی سخن می‌گوید که مرتکب شده و امروز می‌تواند با یاری امام حسین، راه توبه ای پیدا کند برای پاک شدن؛ گویی دعوت امام رنگی از خواهش دارد، رحمتش را متوجه او می‌کند و در نهایت هم باز دلسوزی: «أَمَّا إِذَا رَغِبْتَ بِنَفْسِكَ عَنَّا...؛ حال که در راه ما از نثار جان امتناع می‌ورزی ما نیز نه به تو نیاز داریم و نه به اسب تو زیرا من از افراد گمراه برای خود نیرو نمی‌گیرم». آنگاه امام این جمله را نیز اضافه

جدول ۴. منتخبی از گزاره های کلیدی و مضامین استخراج شده

مضمون فراگیر	مضمون سازماندهنده	مضمون پایه	گزاره های کلیدی
			نمود و در آن مهربانی موج می زند: «همان گونه که تو بر من نصیحت نمودی من نیز نصیحتی به تو می کنم که تا می توانی خود را به جای دوردستی برسان تا صدای استغاثه ما را نشنوی و جنگ ما را نبینی؛ زیرا به خدا سوگند! اگر صدای استغاثه ما به گوش کسی برسد و به یاری ما نشتابد خدا او را در آتش جهنم قرار خواهد داد» (طبری، ۱۳۸۳، ۳، ۲۴۸).
	انعطاف پذیری و خلاقیت در روش ها	تلفیق تبشیر و انذار	۱. در این دیدار ها در کنار تبشیر با انذار روبرویم، تبلیغی بسیار خاص و الگویی الهام بخش؛ در این دیدار گفتگوی امام رنگی از خواهش هم دارد: عبیدالله بن حر از هواداران عثمان بود و پس از کشته شدن وی به نزد معاویه رفت و در جنگ صفین در صف لشکریان او با علی - علیه السلام - می جنگید. در تاریخ از غارتگریها و راهزنیهای عبیدالله مطالب فراوان نقل گردیده است (به تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۶۸ و جمهره ابن حزم، ص ۳۸۵ مراجعه شود). پس از تعارفات و سخنان معمولی که در میان عبیدالله و آن حضرت رد و بدل شد امام خطاب به وی چنین فرمود: «يَا ابْنَ الْخُرِّ إِنَّ أَهْلَ مِصْرٍ كُفُّوا بِسِرِّهِمْ! مردم شهر شما (کوفه) به من نامه نوشته اند که همه آنان بر نصرت و یاری من اتحاد نموده و پیمان بسته اند و از من درخواست کرده اند که به شهرشان بیایم ولی حقیقت امر برخلاف آن است که آنان به من نگاشته اند و تو در دوران عمرت گناهان زیادی را مرتکب شده و خطاهای فراوانی از تو سرزده است آیا می خواهی توبه کنی و از آن خطاها و گناهها پاک گردی؟». عبیدالله گفت: مثلاً چگونه توبه کنم؟ امام فرمود: «تُصْرُ ابْنُ بَنِي نَبِيكَ وَتُقَاتِلُ مَعَهُ؛ فرزند دختر پیامبرت را یاری کرده و در رکاب وی با دشمنان او بجنگی». «يَا ابْنَ الْخُرِّ إِنَّ أَهْلَ مِصْرٍ كُتِبُوا إِلَيْكَ أَنَّهُمْ مُجْتَمِعُونَ عَلَى نُصْرَتِي وَتَسْأَلُونِي الْقُدُومَ عَلَيْهِمْ وَكَيْسَ الْأَمْرُ عَلَى مَا زَعَمُوا

جدول ۴. منتخبی از گزاره های کلیدی و مضامین استخراج شده

مضمون فراگیر	مضمون سازماندهنده	مضمون پایه	گزاره های کلیدی
			وَأَنَّ عَلَيْكَ ذُنُوبًا كَثِيرَةً فَهَلْ لَكَ مِنْ تَوْبَةٍ تَمْحُو بِهَا ذُنُوبَكَ؟... تَنْصُرُوا ابْنَ بَنْتِ نَبِيِّكَ وَتُقَاتِلُ مَعَهُ... أَمَّا إِذَا رَغِبْتَ بِنَفْسِكَ عَنَّا فَلَا حَاجَةَ لَنَا فِي فَرَسِكَ وَلَا فِيكَ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عِزًّا وَأَنْتَ أَنْصَحَكَ كَمَا نَصَحْتَنِي إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا تَسْمَعَ صُرَاخَنَا وَلَا تَشْهَدَ وَقَعْنَا فَاغْلُ فَوَاللَّهِ لَا يَسْمَعُ وَاعَيْنَا أَحَدًا وَلَا يَنْصُرُنَا إِلَّا أَكْبَهُ اللَّهُ فِي نَارِ جَهَنَّمَ» (۱) ۲. حسین علیه السلام فرمود: «هیئات ای پسر عمر! این مردم مرا رها نمی کنند، چه بر من دست بیاوند چه دست نیابند. آنان مرا دنبال می کنند تا به زور از من بیعت بگیرند یا آنکه مرا بکشند. ای عبدالله، آیا نمی دانی از نشانه های پستی دنیا نزد خداوند این است که سر یحیی بن زکریا علیه السلام را نزد بدکاره ای از بدکاره های بنی اسرائیل آوردند و آن سر بر ضدشان احتجاج می کرد؟ ای اباعبدالرحمن، آیا نمی دانی که بنی اسرائیل از بامداد تا شام هفتاد پیامبر را می کشتند و سپس همه در بازارهاشان می نشستند و خرید و فروش می کردند، گویی که هیچ کاری انجام نداده اند، و خداوند در عذابشان شتاب نورزید؟» سرانجام آنان را مؤاخذه کرد، مؤاخذه ی عزتمندی مقتدر! اباعبدالرحمن، از خدا بترس و دست از یاری من برم دار...»
	عاقبت نگری	توجه به ارزش های الهی، تاکید بر اهداف بلندمدت فراتر از زمان و مکان	۱. ای عبدالله، آیا نمی دانی از نشانه های پستی دنیا نزد خداوند این است که سر یحیی بن زکریا علیه السلام را نزد بدکاره ای از بدکاره های بنی اسرائیل آوردند و آن سر بر ضدشان احتجاج می کرد؟ ای اباعبدالرحمن، آیا نمی دانی که بنی اسرائیل از بامداد تا شام هفتاد پیامبر را می کشتند و سپس همه در بازارهاشان می نشستند و خرید و فروش می کردند، گویی که هیچ کاری انجام نداده اند، و خداوند در عذابشان شتاب نورزید؟» سرانجام آنان را مؤاخذه کرد

جدول ۴. منتخبی از گزاره های کلیدی و مضامین استخراج شده

مضمون فراگیر	مضمون سازماندهنده	مضمون پایه	گزاره های کلیدی
			۲. امام در مدینه از قتلگاه خود در عراق سخن می گوید! نکته قابل توجه این است که امام علیه السلام، با وجود خروج مرحله به مرحله از مدینه منوره تا مکه مکرمه، در هنگامی که در مدینه به سر می برد، قصد نهایی خود را مبنی بر رفتن به عراق به اهل بیت و شیعیانش اعلام فرمود. ام سلمه خطاب به آن حضرت می گوید: پسر، از رفتن به عراق اندوهگین مباش، که من از جدت شنیدم که می فرمود: «فرزندم حسین در سرزمین عراق در جایی به نام کربلا کشته می شود.»؛ و امام پاسخ می دهد: «مادر، به خدا سوگند من نیز این را می دانم و ناگزیر کشته می شوم.» امام علیه السلام به برادرش، عمر اطرف، می گوید: «حدیث کرد مرا پدرم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را از قتل خودش و من و این که خاک من نزدیک خاک اوست خبر داده است.» در این جا نصوص دیگری نیز وجود دارد که این حقیقت را تأیید می کند (طیسی، ۱۳۸۳، ۱، ۳۳۴).
	استقامت در مسیر اصول	پای بندی به اصول	در این باب مصادیق زیادی وجود دارد: گروه دشمن آمده و اسبهای خود را در اطراف خیمه های حسین علیه السلام به جولان درآوردند. و آن خندق را در پشت خیمه ها و آتش ها را که در آن شعله میکشید دیدند. شمر بن ذی الجوشن با آواز بلند فریاد زد: ای حسین بآتش شتاب کرده ای پیش از روز رستاخیز؟ حسین علیه السلام فرمود: این کیست؟ گویا شمر بن ذی الجوشن است؟ گفتند: آری، حضرت فرمود: ای پسر زن بزچران تو سزاوارتری بآتش افروخته، مسلم بن عوسجه خواست با تیری او را بزند حسین علیه السلام او را از این کار جلوگیری کرد، مسلم بن عوسجه عرض کرد: اجازه فرما او را بزنم زیرا که او مردی فاسق و از دشمنان خدا و ستمکاران بزرگ است و اکنون خداوند کشتن

جدول ۴. منتخبی از گزاره های کلیدی و مضامین استخراج شده

مضمون فراگیر	مضمون سازماندهنده	مضمون پایه	گزاره های کلیدی
			او را برای ما آسان ساخته؟ حسین علیه السلام فرمود: او را زن زیرا من خوش ندارم آغاز به جنگ ایشان کنم (مفید، بی تا، ۲، ۱۰۰). نیز این جزء کلمات مبنایی امام حسین در روز عاشورا است که: «یا شیعه آل ابی سفیان ان لم یکن لکم دین و کتّم لا تخافون المعاد فکونوا أحرارا فی دنیاکم و ارجعوا الی احسابکم ان کتّم عربا کما تزعمون.» هان ای پیروان دودمان اموی اگر دین و ایمانی ندارید و از حسابرسی روز رستاخیز نمی هراسید، پس بیایید و در زندگی این جهان آزاد مرد و آزادمنش باشید و اگر به راستی خود را عرب می پندارید، به نیاکان خویش ببندیشید (ابن نما، ۱۳۸۰، ۴۰).
	روشنگری و بصیرت افزایی	معرفی دقیق خود	این معرفی امام در روز عاشورا از خود است: شما را به خدا سوگند می دهم، آیا مرا می شناسید؟ گفتند: خدا را شاهد می گیریم، آری تو فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سبط او هستی. فرمود: شما را به خدا آیا می دانید که جلّه من رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است؟ گفتند: آری به خدا. فرمود: شما را به خدا آیا می دانید که مادرم فاطمه علیها السلام دختر محمّد صلی الله علیه و آله و سلم است؟ گفتند: آری به خدا. فرمود: شما را به خدا آیا می دانید که پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام است؟ گفتند: آری به خدا. فرمود: شما را به خدا آیا می دانید جلّه من خدیجه علیها السلام دختر خویلد نخستین زنی است که به اسلام گروید؟ گفتند: آری به خدا. فرمود: شما را به خدا آیا می دانید که حمزه علیه السلام سید شهیدان، عموی پدرم است؟ گفتند: آری به خدا.

جدول ۴. منتخبی از گزاره های کلیدی و مضامین استخراج شده

مضمون فراگیر	مضمون سازماندهنده	مضمون پایه	گزاره های کلیدی
			فرمود: شما را به خدا آیا می دانید که جعفر طیار در بهشت عمومی من است؟ گفتند: آری به خدا فرمود: شما را به خدا آیا می دانید این شمشیری که در دستم است، شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، که من آن را به همراه گرفته ام؟ گفتند: آری به خدا. فرمود: شما را به خدا آیا می دانید که این عمامه که بر سر دارم، عمامه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و من آن را پوشیده ام؟ گفتند: آری به خدا. فرمود: شما را به خدا آیا می دانید که علی علیه السلام نخستین انسانی بود که مسلمان شد و بیشتر از همه مردم دارای علم بود، و حلمش از همه وسیعتر بود، و او رهبر هر مرد و زن با ایمان است؟ گفتند: آری به خدا. فَقَامَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاتَّكَأَ عَلَى قَائِمٍ سَيْفِهِ وَ نَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ فَقَالَ عَ أَتَشُدُّكُمْ اللَّهُ هَلْ تَعْرِفُونَنِي قَالُوا نَعَمْ أَنْتَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ سَيِّدُهُ قَالَ أَتَشُدُّكُمْ اللَّهُ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ ص قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ أَتَشُدُّكُمْ اللَّهُ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ أَتَشُدُّكُمْ اللَّهُ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أُمِّي فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى ص قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ أَتَشُدُّكُمْ اللَّهُ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدَّتِي خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أَوَّلُ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِسْلَاماً قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ أَتَشُدُّكُمْ اللَّهُ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ حَمْرَةَ سَيِّدَةِ الشُّهَدَاءِ عَمُّ أَبِي قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ أَتَشُدُّكُمْ اللَّهُ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَعْفراً الطَّيَّارَ فِي الْجَنَّةِ عَمِّي قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ

جدول ۴. منتخبی از گزاره های کلیدی و مضامین استخراج شده

مضمون فراگیر	مضمون سازماندهنده	مضمون پایه	گزاره های کلیدی
			قَالَ أَنشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ ص أَنَا مُقَلِّدُهُ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ أَنشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ هَذِهِ عِمَامَةُ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَا لَابِسُهُ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ أَنشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ عَلِيًّا ع كَانَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلَامًا وَ أَعْلَمَهُمْ عِلْمًا وَ أَعْظَمَهُمْ حِلْمًا وَ أَنَّهُ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ (ابن الطاووس، ۱۳۷۸، ۸۷). این هم شرح دیدار با اباهرم است در معرفی خود و سرگذشتش: ثُمَّ سَارَ حَتَّى نَزَلَ الرُّهَيْمَةَ فَوَزَدَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ يُكْنَى أَبَا هَرَمٍ فَقَالَ يَا ابْنَ النَّبِيِّ مَا الَّذِي أَخْرَجَكَ مِنَ الْمَدِينَةِ فَقَالَ وَيْحَكَ يَا أَبَا هَرَمٍ شَتَمُوا عِرْضِي فَصَبَرْتُ وَ طَلَبُوا مَالِي فَصَبَرْتُ وَ طَلَبُوا دِمِي فَهَرَبْتُ وَ إِيمَ اللَّهُ لَيَقْتُلَنِي ثُمَّ لَيَلْبَسَنَّهُمُ اللَّهُ ذُلًّا شَامِلًا وَ سَيْفًا قَاطِعًا وَ لَيَسْلُطَنَّ عَلَيْهِمْ مَنْ يُدْلِهِمْ (ابن بابويه، ۱۳۷۶، ۱۵۴). فَقَالَ الْحُسَيْنُ ع وَيْحَكَ أَبَا هَرَمَةَ إِنَّ بَيْنِي أُمِّيَّةً أَخَذُوا مَالِي فَصَبَرْتُ وَ شَتَمُوا عِرْضِي فَصَبَرْتُ وَ طَلَبُوا دِمِي فَهَرَبْتُ وَ إِيمَ اللَّهُ لَيَقْتُلَنِي الْفِتْنَةُ الْبَاطِنِيَّةُ وَ لَيَلْبَسَنَّهُمُ اللَّهُ ذُلًّا شَامِلًا وَ سَيْفًا قَاطِعًا وَ لَيَسْلُطَنَّ عَلَيْهِمْ مَنْ يُدْلِهِمْ حَتَّى يَكُونُوا أَذَلَّ مِنْ قَوْمِ سَبْيَا إِذْ مَلَكَتْهُمْ امْرَأَةٌ مِنْهُمْ فَحَكَمَتْ فِي أَمْوَالِهِمْ وَ دِمَائِهِمْ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴، ۳۶۸). این ها مقدمه ایست از توصیف خود و ورود مخاطب به فضای تصمیم گیری (اگر تو هم در این شرایط بودی این گونه تصمیم می گرفتی).
	رهبری براساس مخاطب شناسی	بیدار کردن وجدان و دادگاه درونی	۱...أَمَّا بَعْدُ فَأَنْتُسَبِّوْنِي فَأَنْظُرُوا مَنْ أَنَا ثُمَّ ارْجِعُوا إِلَيَّ أَنْفُسِكُمْ... (مفید، بی تا: ۲، ۹۷) هان ای مردم! ای مردم کوفه! شما به ریشه و تبار من بنگرید و نسب و نشان مرا دریابید و

جدول ۴. منتخبی از گزاره های کلیدی و مضامین استخراج شده

مضمون فراگیر	مضمون سازماندهنده	مضمون پایه	گزاره های کلیدی
			بگویند من چه کسی هستم؟ نیک بیندیشید و بنگرید که من از کدامین تبار و خاندانم؟ آن گاه به خود آید و به وجدان خویش مراجعه کنید و خویش را زیر شلاق نکوهش و سرزنش و ملامت بگیرید که چه می کنید؟... أمّا بعد، أیّها النّاس! فانسیونی و انظروا من أنا، ثم ارجعوا الی انفسکم فعاتبوا، فانظروا هل یحل لکم سفک دمی، و انتهاک حرمتی؟ (ابن نما، ۱۳۸۰، ۱۸۳). ۲. امام علیه السلام کودک را بر روی دست گرفت و فرمود: (یا قوم قد قتلتم شیعی و أهل بیته، و قد بقی هذا الطفل یتلّطّی عطشا، فاسقوه شربه من الماء) «ای قوم! شیعیان و اهل بیت را کشتید و فقط این طفل باقی مانده که از عطش بخود می پیچد، او را با شربتی از آب سقایت کنید». در بین سخنان امام مردی از دشمن تیری انداخت که کودک را گلو برید (ابن الطاووس، ۱۳۸۰، ۱۵۱).
	رهبری اخلاقی در جنگ	دلسوزی	داستان عبیدالله بن حر جعفری در بخش های قبل توضیح داده شد.
	استقامت در مسیر اصول	استقامت بر هدف و پافشاری تا پای جان	همه روح عاشورا در این پایداری و ایستادگی است و همه این پایداری در این کلام جاری و زنده: أَلَا وَ إِنَّ الدَّعِیَّ ابْنَ الدَّعِیِّ قَدْ رَكَزَ مِنْ بَيْنِ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ أَلْمَلَةِ [السَّلَةِ] وَ الدَّلَّةِ وَ هِیْهَاتَ مِنْ أَلَدَّةٍ (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ۲۴۱).
شرایط رهبری	بسترهای رهبری	بستر خیر خواهی	۱ ای پسر حر، همانا خدای متعال تو را به خاطر گناهانی که در گذشته مرتکب شدی، مواخذه خواهد کرد. من تو را به توبه ای فرا می خوانم که همه ی گناهان تو را می شوی، از تو دعوت می کنم که ما اهل بیت را یاری کنی (نظری منفرد، ۱۳۷۶، ۳۲).
		بستر سخت کوشی	۱. در منزل بنی مقاتل به امام اطلاع دادند که «عبیدالله بن حر جعفری» نیز در این منزل اقامت گزیده است، امام علیه السلام

جدول ۴. منتخبی از گزاره های کلیدی و مضامین استخراج شده

مضمون فراگیر	مضمون سازماندهنده	مضمون پایه	گزاره های کلیدی
			نخست حجاج بن مسروق را به نزد وی فرستاد، حجاج گفت: ای فرزند حر! هدیه گرانبها و ارمغان پرارجی برای تو آورده‌ام اگر بپذیری، اینک حسین بن علی علیهما السلام به اینجا آمده است و تو را به یاری می‌طلبم، به او بپیونددی تا به ثواب و سعادت بزرگی نایل گردی که اگر در رکاب او بجنگی به ثواب بی‌حدی رسیده‌ای و اگر کشته شوی به شهادت نایل شده‌ای. عبیدالله بن حر گفت: به خدا سوگند! من از شهر کوفه بیرون نیامدم مگر اینکه اکثر مردم این شهر، خود را به جنگ او و سرکوبی شیعیانش آماده می‌کردند و برای من مسلم است که او در این جنگ کشته خواهد شد و من توانایی یاری و کمک او را ندارم و اصلاً دوست ندارم که او مرا ببیند و من او را. حجاج به نزد امام علیه السلام بازگشت و پاسخ «ابن حر» را به عرض وی رسانید خود امام با چند تن از اصحابش به نزد عبیدالله آمد و او از امام استقبال نمود و خوشامد گفت. خود عبیدالله جریان این ملاقات را چنین توصیف می‌کند که: چون چشمم به آن حضرت افتاد، دیدم من در دوران عمرم زیباتر و چشم پر کن‌تر از او ندیده‌ام ولی در عین حال به هیچکس مانند او دلم نسوخته است و هیچگاه نمی‌توانم آن منظره را فراموش کنم که وقتی آن حضرت حرکت می‌کرد چند کودک نیز دور او را گرفته بودند (طیسی، ۱۳۸۳، ۳، ۲۴۸). ۲. علی بن طعان محاربی گوید: من همراه سپاه حر بن یزید ریاحی و در شمار آخرین کسانی بودم که رسیدند. حسین با دیدن تشنگی من و اسبم فرمود: راویه را بخوابان - و راویه به نظرم به معنای مشک بود - و سپس فرمود: ای برادر زاده شتر را بخوابان؛ و فرمود: بنوش. من هر چه می‌خواستم بنوشم، آب از دهان مشک می‌ریخت. حسین فرمود: سر مشک را بپیچان. ولی من نمی‌دانستم چگونه این کار را انجام دهم. حسین خود

جدول ۴. منتخبی از گزاره های کلیدی و مضامین استخراج شده

مضمون فراگیر	مضمون سازماندهنده	مضمون پایه	گزاره های کلیدی
			برخواست و آن را پیچاند و من نوشیدم و اسبم را سیراب کردم (طیسی، ۱۳۸۳، ۳، ۲۱۸).
		بستر پیگیری	۱. ابن اعثم کوفی می گوید: سپس حسین (ع) به عمر سعد چنین پیغام داد: «می خواهم با تو صحبت کنم، امشب میان لشکر من و لشکر خودت با من دیدار کن. عمر سعد با بیست سوار به سوی آن حضرت رفت و امام حسین (ع) نیز با همین شمار آمد. چون به هم رسیدند، امام حسین (ع) به یارانش فرمود تا از وی کناره بگیرند و برادرش عباس و پسرش علی اکبر با وی ماندند. عمر سعد نیز به یارانش فرمان داد تا از او کناره بگیرند و پسرش حفص و غلام او به نام لاحق با وی ماندند. امام حسین (ع) فرمود: وای بر تو ای پسر سعد، آیا از خدایی که بازگشت تو به سوی اوست نمی ترسی که با من بجنگی! تو نسبت مرا با رسول خدا (ص) می دانی. اینان را رها کن و با من باش. من تو را به خدای - عزوجل - نزدیک می کنم. عمر سعد گفت: ای ابا عبدالله، بیم دارم که خانه ام ویران شود. حسین (ع) فرمود: من آن را برایت می سازم. گفت: می ترسم املاکم گرفته شود! حسین فرمود: من بهتر از آن را از اموال خود در حجاز به تو می دهم. گفت: خانواده ای دارم که بر آنان بیمناکم! فرمود: من سلامتشان را تضمین می کنم. عمر به هیچ یک از اینها پاسخی نداد و امام حسین (ع) از نزد او بازگشت، در حالی که می فرمود: تو را چه شده است؟! خداوند هر چه زودتر سرت را در رختخوابت ببرد و در آن روزی که تو را محشور سازد نبخشاید! به خدا سوگند من امیدوارم که تو از گندم عراق جز اندکی نخوری. عمر گفت: ای ابا عبدالله به جای گندم جو می خورم! و سپس به اردوگاه خویش بازگشت (طیسی، ۱۳۸۳، ۴، ۱۱۳).
			۲. دینوری گوید: سپس رفت تا به زرود رسید. چشمش به

جدول ۴. منتخبی از گزاره های کلیدی و مضامین استخراج شده

مضمون فراگیر	مضمون سازماندهنده	مضمون پایه	گزاره های کلیدی
			خیمه ای افتاد که در آنجا بر پا شده بود. چون درباره اش پرسید، گفتند: از آن زهیر بن قین است. او حج گزارده بود و از کوفه به مکه می رفت. حسین (ع) پیام داد که به دیدارش بیاید تا با او گفت و گو کند. زهیر از دیدار با امام خودداری ورزید. همسر زهیر که با او بود، گفت: سبحان الله، فرزند رسول خدا (ص) دنبال تو می فرستد و تو اجابتش نمی کنی؟ زهیر برخاست و سوی حسین (ع) رفت. اندکی نگذشت که با چهره ای درخشان بازگشت و ... فرمان داد که چادرش را کنند و نزدیک خیمه حسین (ع) برپا کردند. سپس به زنش گفت: من تو را طلاق دادم. همراه برادرت به خانه ات برو که من قصد دارم همراه حسین (ع) کشته شوم! (طیسی، ۱۳۸۳، ۳، ۱۸۲). ۳. امام در قتلگاه با کوفیان مشغول سخن گفتن بود که در همان حال صحبت کردن با آنها به شهادت رسید: «فَاحْتَرَوْا رَأْسَهُ وَإِنَّهُ لَيَكَلِّمُهُمْ فَعَجِبَتْ مِنْ قِلَّةِ رَحِمَتِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵، ۵۷؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۸: ۷، ۲۵۰-۲۵۱). سر حسین در تنور و بالای نیزه هم هدایت می کند.
		بستر امیدواری	۱. یا بَنِي إِذْهَبُوا فَتَحَسَّنُوا مِنْ يَوْسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ (یوسف/۸۷) پسرانم! بروید، و از یوسف و برادرش جستجو کنید؛ و از رحمت خدا مأیوس نشوید؛ که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می شوند. ۲. ...حسین علیه السلام فرمود: «هیئات ای پسر عمر! این مردم مرا رها نمی کنند، چه بر من دست بیابند چه دست نیابند. آنان مرا دنبال می کنند تا به زور از من بیعت بگیرند یا آنکه مرا بکشند. ای عبدالله، آیا نمی دانی از نشانه های پستی دنیا نزد خداوند این است که سر یحیی بن زکریا علیه السلام را نزد بدکاره ای از بدکاره های بنی اسرائیل آوردند و آن سر بر ضدشان

جدول ۴. منتخبی از گزاره های کلیدی و مضامین استخراج شده

مضمون فراگیر	مضمون سازماندهنده	مضمون پایه	گزاره های کلیدی
			احتجاج می کرد؟ ای اباعبدالرحمن، آیا نمی دانی که بنی اسرائیل از بامداد تا شام هفتاد پیامبر را می کشتند و سپس همه در بازارهاشان می نشستند و خرید و فروش می کردند، گویی که هیچ کاری انجام نداده اند، و خداوند در عذابشان شتاب نورزید؟» سرانجام آنان را مؤاخذه کرد، مؤاخذه عزتمندی مقتدر! اباعبدالرحمن، از خدا بترس و دست از یاری من بردار (طیسی، ۱۳۸۳، ۲، ۲۶۳).
		بستر یاد آوری	۴۷ مورد «اذکر» و ۴ مورد «فذكر» در قرآن شاهی بر این مدعاست: اذکر: یا بَنی إِسْرَءِیْلَ اذْكُرُوا نِعْمَتَی الَّتِیْ اَنْعَمْتُ عَلَیْكُمْ وَاَوْفُوا بِعَهْدِیْ اَوْفِ بِعَهْدِكُمْ وَاِیَّایْ فَاَرْهَبُوْنَ (البقرة/۴۰) ای فرزندان اسرائیل! نعمتهایی را که به شما ارزانی داشتم به یاد آورید. و به پیمانی که با من بسته اید وفا کنید، تا من نیز به پیمان شما وفا کنم. (و در راه انجام وظیفه، و عمل به پیمانها) تنها از من بترسید. ۴۶ مورد دیگر به جهت اختصار در این مجال آورده نشده است فذكر: نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَا یَقُولُوْنَ وَمَا اَنْتَ عَلَیْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ یَخَافُ وَعِیدِ (ق/۴۵) ما به آنچه آنها می گویند آگاهتریم، و تو مأمور به اجبار آنها (به ایمان) نیستی؛ پس بوسیله قرآن، کسانی را که از عذاب من می ترسند متذکر ساز (وظیفه تو همین است) فَذَكِّرْ فَمَا اَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّکَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ (الطور/۲۹)، فَذَكِّرْ اِنْ نَفَعَتِ الذِّکْرٰی (الأعلى/۹)، فَذَكِّرْ اِنَّمَا اَنْتَ مُذَكِّرٌ (الغاشیة/۲۱) ۱.۲ آن گاه حرّ گفت: «به خدا سوگند! ما از نامه هایی که

جدول ۴. منتخبی از گزاره های کلیدی و مضامین استخراج شده

مضمون فراگیر	مضمون سازماندهنده	مضمون پایه	گزاره های کلیدی
			می گویند، هیچ اطلاعی نداریم.» امام علیه السلام گفت: «ای عقبه بن سمعان! خورجین نامه هایی را که به من نوشته اند بیاور!» عقبه خورجین پر از نامه را آورد و جلو ایشان خالی کرد. حرّ گفت: «ما از کسانی که به تو نامه نوشته اند، نیستیم و مأموریت داریم که چون تو را دیدیم، از تو جدا نشویم، تا تو را نزد عبیدالله بن زیاد ببریم.»
		بستر رصد لحظه های ناب	۱. «اللَّهُمَّ اشْهَدْ عَلَي هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ، فَقَدْ بَرَزَ إِلَيْهِمْ غِلَامٌ أَشْبَهَ النَّاسَ خَلْقًا وَخُلُقًا وَمَنْطَقًا بِرَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، كُنَّا إِذَا اشْتَقْنَا إِلَى وَجْهِ رَسُولِكَ نَظُرْنَا إِلَى وَجْهِهِ» (ابن الطاووس، ۱۳۸۰، ۱۴۸). جالب آن است که مؤذن همیشگی امام حجاج بن مسروق جعفی است و تنها در این لحظه حساس که حتی آرامش صبح و سکوت صحرا برای بیان این حقیقت مساعد است از این ظرفیت استفاده می نماید تا شاید دلهای کسانی که در سپاه عمر سعد هست و روزگار پیامبر را درک کرده اند با این حقیقت پیامبرگونه متوجه نماید. ۲. سفیان بن عیینه از حضرت زین العابدین (ع) حدیث کند که فرمود: با حسین (ع) بیرون رفتیم، پس در هیچ منزلی فرود نیامد و از جایی کوچ نکرد جز اینکه یحیی بن زکریا و کشته شدن او را بیاد می آورد، و روزی فرمود: از پستی دنیا نزد خدا این بس که سر یحیی بن زکریا را برای سرکشی از سرکشان بنی اسرائیل هدیه بردند (مفید، بی تا، ۲، ۱۳۵).
پیروان	زمینه های پیرو ساز	بستر اجتماعی	نسبت به من لطف و احسانی بسیار بزرگ و باارزش روا داشته ای و آن لطف و احسان این بود که آن قدر در آفریدنم صبر کردی تا دوران سیاه جاهلیت سپری شد و دوران کفر رخت برپست، نظام اسلامی مستقر شد. آنگاه مرا در نظام و دولت اسلامی به دنیا آوردی. «لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي وَ لَطْفِكَ إِلَيَّ [بی] وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أَيَّامِ الْكُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا

جدول ۴. منتخبی از گزاره های کلیدی و مضامین استخراج شده

مضمون فراگیر	مضمون سازماندهنده	مضمون پایه	گزاره های کلیدی
			عَهْدَكَ وَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ...» (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ۱، ۳۴۰). در این فقره دعای عرفه، امام حسین (علیه السلام) خدا را می ستاید که او را در زمان جاهلیت به دنیا نیاورده است. این، نشان بلندنظری آن حضرت است. چون ممکن است کسی تبهکارانه به سر برد و برای توجیه تباهی خود بگوید: ما در زمان جاهلیت زندگی می کردیم و احکام الهی را نمی دانستیم و هر انسان جاهلی معذور است اما روح بلند انسان کامل به این معذور بودن قناعت نمی کند بلکه می کوشد تا به احکام الهی عالم شود و بدون عذر باشد نه معذور. حضرت اباعبدالله (علیه السلام) به درگاه خداوند متعال عرضه می دارد: خدایا تو را شکر می کنم که مرا در دولت زمامداران کفر به دنیا نیاوردی. چون اگر قبل از اسلام به دنیا می آمدم از نعمت اسلام و معارف عمیق آن محروم می شدم، اما تو بر من مَنّت نهادی و پس از سپری شدن دولت کفر و استقرار دولت اسلام مرا به دنیا آوردی. این سخن، تشویق به تشکیل حکومت اسلامی و تلاش برای استقرار نظام الهی است. چون اگر کسی بخواهد شکر نعمت به دنیا نیامدن در دولت کفر را به جا آورد، باید برای براندازی دولت کفر و حاکمیت شرک و تشکیل حکومت اسلامی و حفظ آن تلاش کند. برای این که با وجود حکومت کفر، رسیدن به معارف الهی و اخلاق انسانی هر چند که متعذر و ممتنع نیست لیکن دشوار خواهد بود و توفیق زمزمه و مناجات با خدا در لوای حکومت اسلامی و حاکمیت دین آسان تر است. سالار شهیدان نیز برای همین منظور قیام کرد تا در پرتو نظام اسلامی، آیندگان نیز همانند خود آن حضرت، مشمول الطاف و برکات دولت حق گردند و در پناه دولت اسلام و حاکمیت قرآن احیا شوند. از این رو فرمود: من علیه حاکمیت ستم قیام کردم تا کفر را براندازم و اصلاح در امت جلدّم محمد (صلی الله علیه و آله و

جدول ۴. منتخبی از گزاره های کلیدی و مضامین استخراج شده

مضمون فراگیر	مضمون سازماندهنده	مضمون پایه	گزاره های کلیدی
			سلم) ایجاد کنم: «إِنَّمَا خَرَجْتَ لَطْلُبِ الإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى (صلی الله علیه و آله و سلم)» آن روح بزرگوار حماسی این هدف را پی گرفت تا سرانجام به مقصود خویش نایل آمد (جوادی آملی، بی تا، بی جا).
		بستر نیازمندی	۱. «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِلِّسَّائِلِينَ» (یوسف/۷) در (داستان) یوسف و برادرانش، نشانه‌های هدایت) برای سؤال کنندگان بود! و در جایی دیگر در منظومه‌ی قرآن کسانی که دارای این بستر نیازمندی هستن نباید رد شوند و خود قرآن دستور می دهد به رسولش که این دسته را رد مکن! «وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ» (الضحی/۱۰) و سؤال کننده را از خود مران. ۲. و از این روست که در زیارت مطلقه‌ی امام حسین در بحث التماس به خود حضرت این بستر مؤکد می شود: «التمس کمال المنزله عندالله» (کلینی، ۱۴۰۷، ۴، ۵۷۶). و این نوع التماس و در خواست و سؤال، همه در «بستر نیازمندی» معنا می یابند. ۳. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر/۱۵) ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید؛ تنها خداوند است که بی نیاز و شایسته هر گونه حمد و ستایش است. ۴. به پای امام افتادن نافع بن هلال جملی در شب عاشورا و التماس جون بن حوی غلام امام در روز عاشورا از این مصادیق اند.
		بستر محرک	این مورد در شب و روز عاشورا و در گفتگوهای اصحاب (پیروان) به خوبی مشاهده می شود که ناشی از این بعد شناختی است که او را به این درک رسانده است که در صورت جدایی از این بستر محرک، محکوم به شکست و افول خواهد بود. از این جمله است داستان حمایت شبانگاهی حبیب و اصحاب و یا سخنان جون مبتنی بر عدم جدایی از امام و یا

جدول ۴. منتخبی از گزاره های کلیدی و مضامین استخراج شده

مضمون فراگیر	مضمون سازماندهنده	مضمون پایه	گزاره های کلیدی
			بیانات عابس ابن ابی شیبب شاکری که «زیر این آسمان از تو عزیز تر ندارم» (ابومخنف کوفی، ۱۳۸۰، ۱۷۷) و ...
		بستر تعاون	قَالَ وَوَسَّيْتُ هِلَالُ بْنُ نَافِعٍ الْبَجَلِيُّ فَقَالَ وَاللَّهِ مَا كَرِهْنَا لِقَاءَ رَبَّنَا وَ إِنَّا عَلَى نِيَّاتِنَا وَبَصَائِرِنَا نُؤَالِي مَنْ وَالَاكَ وَنُعَادِي مَنْ عَادَاكَ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴، ۳۸۱، ابن طاووس، ۱۳۷۸، ۸۰). فَوَسَّيْتُ إِلَى الْحُسَيْنِ ع رَجُلٌ مِنْ شِيعَتِهِ يُقَالُ لَهُ هِلَالُ بْنُ نَافِعٍ الْبَجَلِيُّ فَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ جَدَّكَ رَسُولَ اللَّهِ لَمْ يَقْدِرْ أَنْ يُشْرِبَ النَّاسَ مَحَبَّتَهُ وَلَا أَنْ يَرْجِعُوا إِلَى أَمْرِهِ مَا أَحَبُّ وَ قَدْ كَانَ مِنْهُمْ مُنَافِقُونَ يَعِدُونَهُ بِالنَّصْرِ وَ يَضُمُّونَ لَهُ الْفَنَدَرِ يَلْقَوْنَهُ بِأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَ يَخْلُقُونَهُ بِأَمْرٍ مِنَ الْخَطْلِ حَتَّى قَبِضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ أَنْ أَبَاكَ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ قَدْ كَانَ فِي مِثْلِ ذَلِكَ فَقَوْمٌ قَدْ أَجْمَعُوا عَلَى نَصْرِهِ وَ قَاتَلُوا مَعَهُ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ حَتَّى أَتَاهُ أَجَلُهُ فَمَضَى إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ وَ رِضْوَانِهِ وَ أَنْتَ الْيَوْمَ عِنْدَنَا فِي مِثْلِ تِلْكَ الْحَالَةِ فَمَنْ نَكَّثَ عَهْدَهُ وَ خَلَعَ بَيْعَتَهُ فَلَنْ يَضُرَّ إِلَّا نَفْسَهُ وَ اللَّهُ مُغْنٍ عَنْهُ فَسِرْ بِنَا رَاشِدًا مُعَاوِيَ مُشْرِفًا إِنْ شِئْتَ وَ إِنْ شِئْتَ مُعَرِّبًا فَوَ اللَّهُ مَا أَشَقَقْنَا مِنْ قَدَرِ اللَّهِ وَ لَا كَرِهْنَا لِقَاءَ رَبَّنَا وَ إِنَّا عَلَى نِيَّاتِنَا وَ بَصَائِرِنَا نُؤَالِي مَنْ وَالَاكَ وَ نُعَادِي مَنْ عَادَاكَ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴، ۳۸۳).
		بستر عاطفی - تربیتی	۱. جایی که حتی مادری با نام گذاری صحیح و رشد و تربیتی مورد تقدیر امام قرار می گیرد که: تو حر (آزاد) هستی همان طور که مادرت تو را حر نامید و به طور ضمنی تأکیدی بر ظرایفی این چنینی که از حر، حر می سازد، اثر نقش مادر در نامگذاری فرزندان: «وَاللَّهِ مَا أَخْطَأْتُ أُمَّكَ حَيْثُ سَمَّيْتُكَ حُرًّا وَاللَّهِ إِنَّكَ حُرٌّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» چرا که در کربلا نگاه ها، حرکات و همه ی نقش ها هوشمندانه و دقیق اند، در کربلا نیروی اضافی وجود ندارد، در کربلا هیچ کس اضافه نیست. عنصر زائد، اضافی، مزاحم و بیکار در کربلا ی ابا عبدالله وجود

جدول ۴. منتخبی از گزاره های کلیدی و مضامین استخراج شده

مضمون فراگیر	مضمون سازماندهنده	مضمون پایه	گزاره های کلیدی
			ندارد (سنگری، (۲) ۱۳۸۶، ۹۸). به یک معنا در حادثه‌ی عاشورا هیچ چیز بی دلیل و بی معنا نیست (سنگری، ۱۳۸۸، ۵۸۱). و چه تامل برانگیز آن کسی که در کربلا نماد آزادگی می‌شود نامش حر (آزاد) است و عجیب‌تر اشاره امام به این نکته بالای سر اوست، و اشاره به نامگذاری مادر او در این جریان. ۲. در شخصیت دیگری مثل قارب بن عبدالله بن اریقظ دثلی که مادرش فکیه کنیز امام حسین و در خدمت رباب بود. در نتیجه وی را غلام حسین می‌گفتند چنان که در زیارت ناحیه مقدسه آمده است: السلام علی قارب مولی الحسین (سنگری، ۱۳۸۶، ۴۷۶). این هم همان بستر عاطفی تربیتی مادری است که به خاطر او فرزندش را با نام غلام حسین می‌شناسند. حضور این افراد در بستر عاطفی خود امام و اهل بیت هم در خور تأمل است.

در ادامه با تفصیل بیشتری به منتخبی از یافته های پژوهش پرداخته می شود. در ابتدا به موضوع رهبری و اصول آن پرداخته می شود و در ادامه شرایط و پیروان مورد مذاقه قرار می گیرد.

بخش اول: رهبری

برای درک جایگاه رهبری بایست در این برهه اصول حاکم بر گفتگو شناخته شود چرا که در کربلا با سبکی منحصر به فرد از گفتگو مواجهیم که خاص وجود حسین بن علی علیه السلام است و برای درک آن باید با منطق و افقی که در آن به گفتگو نشسته آشنا باشیم تا بتوان از رویکرد نظری با آن آشنا شد، حال آن که بسیاری از شیوه های بدیع آن در هنر جمع بین اضداد است:

≠ انعطاف پذیری و خلاقیت در روش ها (عبیدالله بن حر جعفی و عبدالله بن عمر و...)

≠ عاقبت نگری (از اوایل راه مثل عبدالله بن عمر و دیگران اشاره به سرانجام کار و بیان نمادین آن در داستان حضرت یحیی و...)

≠ استقامت در مسیر اصول: گفتگوهایی که امام در راه دارد همگی بر محور اصولی است که هدف همه آنها نمایش زهبری حسینی بر مبنای آن اصولی است که در گفتگوها تبلور یافته است و از این مدخل می توان حقیقت عاشورا را نظاره گر بود، مثال هایی که هر کدام به گوشه ای از آن اصول اساسی که همان اساس دین است اشاره دارد.

≠ روشنگری و بصیرت افزایی (معرفی دقیق خود): از دیگر اصولی که گاه بر گفتگوهای امام حاکم است و در اوج این واقعه یعنی روز عاشورا بروز بیشتری یافته است همان معرفی های امام از خویشان است برای تبیین کامل شخصیت خود و اتمام حجت برای دشمنان و تاریخ به گونه ای که این قطعه از تاریخ، عاشورا را به یک حجت و برهان آشکار تبدیل ساخته است. البته این معرفی ها در مواردی برای مقدمه برهان بعدی هم استفاده شده است تا مخاطب را به گونه ای با خود همراه کند مانند گفتگو با اباهرم .

≠ رهبری براساس مخاطب شناسی (بیدار کردن وجدان و دادگاه درونی): (فارجعوا الی انفسکم، داستان حضرت علی اصغر و آوردن بسیاری از پیام ها به صورت عینی و غیر کلامی در بیان دلیل و برهان و به فکر فرو بردن دشمن در ماجرای برحق بودن و حجت بالغه را اقامه کردن و...) .

≠ رهبری اخلاقی در جنگ (دلسوزی): بر مبنای هدایت گری مثل عبیدالله بن حر جعفی

بخش دوم: شرایط رهبری

حال که اصول بحث و جایگاه آن بهتر شناخته شد می توان در مورد زمینه های گفتگو وارد بحث شد و بطور اجمال آن را نام برد و مصادیقی از آن بر شمرد:

بستر خیر خواهی

رهبری در منظومه مباحث دینی بخصوص در حوزه ی عاشورا سرشار از مفاهیمی است که لازمه ی هدایت و رهبری است و آن داشتن خیر خواهی است چنان که در وصف امام از زبان امام رضا علیه السلام است که: «الْإِمَامُ الْأَنْبِيُّ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّقِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ» (کلینی، ۱۴۲۶: ۱، ۲۰۰)، در این وصف امام با اوصاف انبسی دوست و پدری با شفقت و برادر نام برده شده است؛

امامی که کامل ترین رهبر است صفت خیر خواهی و دلسوزی را داراست. این بستر برای ایجاد منظومه‌ی کارا و اثر بخش در حوزه‌ی رهبری مهم می نماید.

≠ سخنان امام به عبیدالله بن حر جعفی و سخن از بخشش گناهانش در صورت همراهی با امام

≠ صحبت امام با شمر در ظهر عاشورا که اگر برگردی تمام کارهای قبل تو بخشیده می شود.

بستر سخت کوشی

پس از دارا بودن بعد خیر خواهی در بستر های شکل دهنده در حوزه رهبری که در گفتگوها خود را نشان می دهد نوبت نمود پیرونی داشتن آن بستر در بستری دیگر است و آن بستر سخت کوشی است، چرا که تمام ثمرات خیر خواهی بایست خود را در حوزه اجرا وارد کند و این نکته ایست که مورد تأکید قرآن در بحث مجاهدت است و به آن های نوید یاری و راهنمایی از جانب خدا داده شده است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (العنکبوت/۶۹) و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه های خود، هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است. از این سخت کوشی ها در کربلا بسیار دیده می شود:

≠ جلوه های هدایت امام در کربلا تا آخرین لحظات حیات به انحای مختلف (سخنرانی، گفتگوی فرد به فرد، مذاکره، رفتارهای عاطفی و ...)

≠ خود حضرت به سراغ اشخاصی مثل عبیدالله بن حر جعفی رفت.

≠ ورود شخص حضرت در همه امور و توجه به جزییاتی مثل داستان توجه و آب دادن با دستان خود به علی بن طعان و تفقد از او

بستر پیگیری

بستر سخت کوشی بیشتر ناظر به حوزه‌ی کیفی است اما بستر پیگیری بر کمیت و تعداد تمرکز دارد، این که امام بارها و بارها با صورت های مختلف اعم از گفتار و رفتار، نظری و عملی، سخنرانی فردی و جمعی و بارها تا پای گودال قتلگاه این پیگیری را در گفتگو های خود برای

هدایت و رهبری دارد که همان طور که در ابتدا گفتیم از بستر خیر خواهی ایشان نشأت می گیرد. از مصادیق بستر پیگیری به طور خاص:

≠ داستان اصرار بر عمر سعد برای نفوذ در شخصیت او

≠ پیگیری بعضی شخصیت ها مثل زهیر برای جذب

≠ اصرار امام برای به راه آوردن عیدالله بن حر جعفری

≠ در بعد «نظری»: سخنرانی های جمعی و فردی در هر جا حتی تا مقتل

و در بعد «عملی»: داستان خورجین نامه ها و نمایش تشنگی شیر خواره (علی اصغر) و پوشیدن

لباس پیامبر در روز عاشورا

بستر امیدواری

در رهبری از بستر هایی که نباید غفلت کرد بخصوص در گفتگو و مذاکره، بستر امیدواری است که به یک تعبیر می توان از آن به عنوان ضمانت اجرایی رهبری نام برد. البته به طور کلی «یأس» در منظومه ادبیات دینی مفهومی نکوهیده است و در رتبه مقام کافران است.

در داستان کربلا از پررنگ ترین مفاهیم موجود در جریان رهبری امام حسین علیه السلام همین امید به اثرپذیری و همراه شدن با قافله ی اوست. این روحی است که در تمام گفتگوهای امام علیه السلام احساس می شود. مانند:

≠ سراغ اشخاصی رفتن که همراهیشان به ذهن اصلا متبادر نمی شود ولی امام از هدایت آن

ها غافل نیست. مثل عبدالله بن عمر و یا عیدالله بن حر جعفری

بستر یاد آوری

همان سبکی که قرآن هم از آن به عنوان تذکر یاد می کند و حتی انبیای خود را از این سبک رهبری خالی نمی گذارد و سراغ آن ها را از این سبک می گیرد:

≠ یاد آوردی خود حضرت از خود و سوابق خود که من کیستم و هدف از حرکت برای

تحکیم شناخت و بستن راه های بهانه جویی بعدی. یادآوری از عاقبت و آینده کارها و

حتی دنیای دیگر و داستان شفاعت که در سرتاسر خطبه های امام جاری و ساری است.

البته این بستر در حوزه مباحث کلامی محدود نمی ماند و از آن فراتر می رود به عنوان مثال داستان نمایش غربت امام در بستر یاد آوری تاریخ در مصداق خورجین نامه ها و یا حضرت علی اصغر و شهادت او که در حوزه بحث های غیر کلامی و بسیار اثر بخش تر دیده می شود.

بستر رصد لحظه های ناب

رهبری برگ برنده را در اختیار دارد که بتواند از کمترین و ناچیز ترین زمان ها و فرصت ها بهره برد، کربلا موقعیتی است که در آن رهبری مانند امام حسین از لحظه لحظه ی آن در جهت ایجاد فضا برای انقلاب روحی مخاطبان استفاده می کند: رصد لحظه ها در بستر زمان، مکان، اشخاص، حالات و...

≠ زمان: اذان صبح عاشورا را به علی اکبر واگذار می کند تا در این لحظه ی حساس با صدای پیامبر گونه علی اکبر اذهان را با این سؤال درگیر کند که ما با چه کسی می جنگیم؟

≠ مکان: در تک تک منازل امام پنا بر شرایط به دنبال رصد لحظات ناب برای رهبری بود چنان که بعضی مسائل را در اکثر منازل متذکر می شد:

بخش سوم: پیروان

به همان میزان که درک شرایط رهبر مهم می نماید برای ایجاد یک شبکه ی کارا و اثر بخش در حوزه ی رهبری باید با یک دید کامل مواجه شد؛ به همان میزان که برای یک مجموعه و سازمان حضور یک رهبر توانمند برای ارتقای سیستم سازمان لازم است دقت بر روی زمینه ها و بستر های دیگر برای هم افزایی رهبری و شکوفایی توانمندی های رهبر مهم می نماید که از جمله ی آن بحث «پیروانی» است که در ارتباط با رهبر شبکه ای توانمند خلق خواهند کرد.

به عبارت دیگر بدون در نظر گرفتن پیروان در مدل فوق نیمی از بحث دیده نخواهد شد و بالتبع اثر بخشی آن هم تضمین نخواهد شد، چرا که همیشه در مقابل رهبر باید دنبال پیروانی بود که رهبری او را به بهترین نحو قبول کنند و در انجام دستورات او اهتمام ورزند. در این مجال کربلا به عنوان بهترین مدل برای درک این خواسته به کمک خواهد آمد که در بحث «جایگاه پیروی در منظومه ی بحث گفتگو» چرایی این بحث پرداخته خواهد شد.

جایگاه پیروی در منظومه بحث گفتگو

در طراحی الگوی رهبری با الهام از گفتگوهای امام حسین علیه السلام در مسیر کربلا از آن چه نباید غافل بود توجه به روی دیگر سکه‌ی رهبری در گفتگوهای امام است؛ دقت بر عنصر پیروان در این منظومه می‌تواند به اثر گفتگوها کمک کند، چرا که همیشه در بحث های مدیریتی از اثر بخشی یک واقعه سخن می‌رود و در آن به دنبال گرفتن باز خورد هستند.

در بازخورد همیشه باید دو سمت سامانه را بررسی کرد، برای این که یک سیستم به خوبی فعالیت کند باید همه‌ی اجزا با هم دیگر هماهنگ باشند؛ بدیهی است اگر یک قسمت از سیستم با همه‌ی بخش های سیستم هماهنگ نباشد سیستم کارا و اثر بخش نخواهد بود.

در ساحت گفتگو همیشه باید در بحث بازخورد، مخاطبان (یا همان پیروان) را به عنوان سمت دیگر سیستم در کنار رهبر-مورد توجه قرار داد.

کربلا به عنوان یک نمونه‌ی موفق می‌تواند به بهترین نحو حوزه‌ی پیروان را رصد کند؛ چرا که در سمت اول سیستم که بحث رهبر است با کامل ترین و بهترین رهبر روبرویی حاصل می‌شود اما سؤال اصلی این است که پس چرا این سیستم کامل از لحاظ رهبر با موفقیت ظاهری و اثر بخشی روبرو نمی‌شود. پاسخ را باید دقیقاً در بحث پیروان جستجو کرد.

پیروان باید در تعامل با رهبر واجد چه صفات و عناصری باشند که بتوانند سیستمی کارا و اثر بخش را خلق کنند، در این بخش به سراغ زمینه های پیرو ساز یا به عبارتی فرصت ساز رفت که در زیر خواهد آمد:

زمینه های پیرو ساز (فرصت ساز)

بستر اجتماعی

برای ایجاد فضایی پیرو ساز مهم ترین عناصر فضا و بستر های اجتماعی است، آن چنان که خود امام حسین علیه السلام در دعای عرفه همین بستر اجتماعی را تبیین می‌کند و رشد خود را در دوران نبود شرک و کفر سپاس می‌گوید.

بستر نیازمندی

در نظام رشد از منظر عرفان همیشه بحث طلب و نیاز مطرح است و این مسأله در ادبیات قرآنی برای درک و رشد به گونه دیگری مطرح می شود؛ تا آن حد که بهترین داستان قرآن برای آن ها آیت و نشانه خواهد شد که اهل طلب و نیاز و سؤال باشند.

در این ساحت است که وقتی همیشه نیاز به هادی می شود و پیرو به دنبال هادی می گردد رهبر وارد می شود و در این بستر نیازمندی که مصادیق آن را در کربلا می توان دید به عنوان ضمانت اجرایی نقش رهبر به ایفای نقش می پردازد.

حتی در بحث های عرفانی نیز بستر مقابل آن مورد نهی شدید قرار گرفته است، این که سالکی در خود بستر نیازمندی را احساس نکند و از آن به عنوان «استغنا» یاد شده است که عامل سقوط او شمرده می شود و تأکید بر مقام فقر در این ساحت مورد توجه است.

بستر محرک

رفتار های هر انسان در گرو شناخت های اوست و از این منظر است که ارزش انسان ها هم به خاطر همین علایق و ادراکات است.

رهبر در داستان کربلا شخص امام حسین است که در نگاه پیروان، قوه ی محرکه است و این بستر که از یک شناخت عمیق حاصل می شود به پیروی ختم می شود. برای ایجاد یک حرکت در مدل رهبری باید وجود یک عامل دیده شود و آن درک همین قوه ی محرکه ی رهبر است؛ همه ی خواهش ها و التماس هایی که در کربلا مشاهده می شود محصول همین نوع نگاه است و در این بستر به وجود می آید.

بستر تعاون

شکل گیری نظامی که بر اساس معرفت و شناخت پایه ریزی شده است، می تواند در طول تاریخ و برای همیشه پرفراز و نشیب باشد چرا که به همان نسبت که امام در اوج درک و فهم است در نقش یک رهبر، تک تک اصحاب هم در اوج شناخت و فهم و درک هستند در نقش پیرو.

و این تلازم و ارتباط وثیق در بستری شکل می گیرد که سخن همدیگر را بهتر فهم می کنند و هم زبانی و هم دلی سریع تری انجام می شود، این مورد را می توان در مصادیق بسیاری دید، آن جا که دیگر حتی سخن از گفتگو نیست! چرا که دیگر اصلاً به دستوری نیاز نیست چرا که مفاهیمی رهبر و پیروان به آن جا رسیده است که نیازی به گفتگو احساس نمی شود و این مدل محقق نمی شود مگر با رشد شناختی پیروان برای رسیدن به این زمینه تعاون.

جایی این بستر شکل می گیرد که علاوه بر رهبر تک تک نقش ها و پیروان به یارانی یگانه برای معاونت و یاری تبدیل شده باشند، آنچنان که اصحاب عاشورایی امام این گونه از این بعد شناختی خود دم زدند که: «إِنَّا عَلَى نِيَّاتِنَا وَبَصَائِرِنَا» و نیت و بصیرت (هدف و انگیزه) لازمه رسیدن به این مدل زمینه ای است.

بستر عاطفی- تربیتی

سه عنصر در حرکت امام حسین علیه السلام وجود دارد: عنصر منطق و عقل، عنصر حماسه و عزت و عنصر عاطفه (امام خامنه ای، ۱۳۹۰، ۲۵۹) در این منظومه سه وجهی می توان اثر این بعد را بر پیروان و حتی رهبر کشف کرد.

این جا نقش تربیت و بستر عاطفه پیرو ساز می شود و در قله ی آن نقش خانواده برای شکل گیری نظام فکری و شناختی انسان ها مهم می نماید.

تا آن جا که شاید بتوان نقش خانواده و در رکن اصلی عاطفی تربیتی آن یعنی مادر موارد زیادی را در کربلا دید.

تأمل در شکل گیری شخصیتی رهبر این داستان یعنی امام حسین هم الهام بخش است. کسی که رئیس دنیای اسلام، حاکم جامعه ی اسلامی و محبوب دل همه ی مردم، او را در آغوش می گیرد و به مسجد می برد. همه می دانند که این کودک، محبوب دل این محبوب همه- یعنی پیامبر- است. او روی منبر مشغول خطبه خواندن است که این کودک، پایش به مانعی می گیرد و به زمین می افتد. پیامبر از منبر پایین می آید، او را در بغل می گیرد و آرامش می کند (امام خامنه ای، ۱۳۹۰، ۱۹۵). این که هر کس می رسد از بزرگان، پدر، مادر، پدر بزرگ به او می رسند او را در آغوش می گیرند و گریه می کنند این باعث شکل دهی یک زمینه عاطفی در فرد

می‌کند. این وقایع است که شخصیت حسین را عاطفی کرده است. در جدول ذیل خلاصه یافته های پژوهش ارائه شده است.

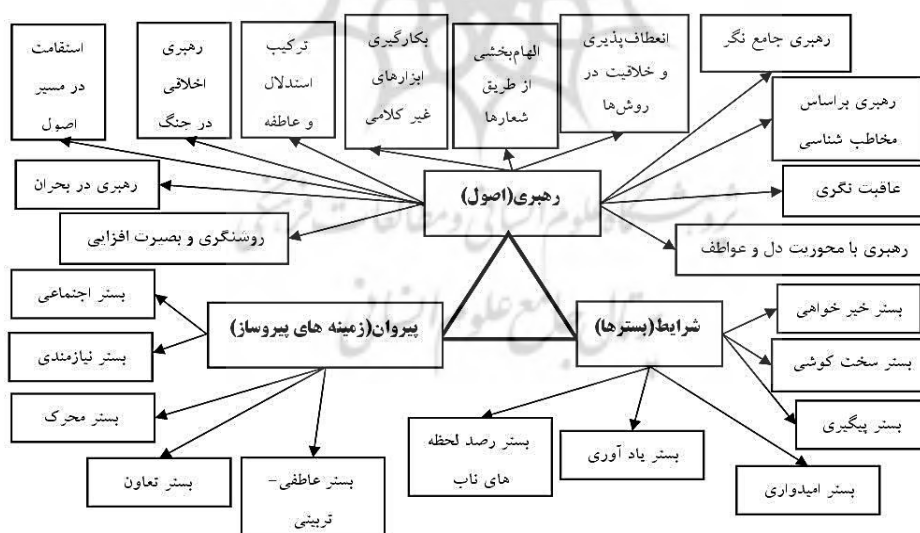
جدول ۵. مضامین ابعاد و مولفه های رهبری امام حسین علیه السلام

مضمون پایه	مضمون سازماندهنده	مضمون فراگیر
شمول‌گرایی (عرشی و فرشی)، ترکیب عقل و قلب، توجه به کوچک‌ترین مسائل و افراد، اهمیت به جزئیات در کنار کلان‌نگری	رهبری جامع‌نگر	رهبری
استفاده از صفات ملکه افراد، تعامل محبت‌آمیز، بیدار کردن وجدان و دادگاه درونی، شناسایی و استفاده از نقاط اهرمی فردی و کلان	رهبری براساس مخاطب‌شناسی	
گفتگوی ترکیبی (خطبه، نامه، حرکات، نمایش)، تأکید بر کوچک‌ترین رفتارها، ورود از درهای مختلف برای رسیدن به هدف، تلفیق تبشیر و انذار	انعطاف‌پذیری و خلاقیت در روش‌ها	
طراحی شعارهای ماندگار، هدایت از طریق پیام‌های کوتاه و عمیق	الهام‌بخشی از طریق شعارها	
استفاده از نگاه، اشک و لبخند به عنوان ابزارهای غیرکلامی تأثیرگذار	به‌کارگیری ابزارهای غیر کلامی	
ارائه استدلال و برهان در کنار عاطفه، تصمیم‌گیری مبتنی بر تحلیل	ترکیب استدلال و عاطفه	
مدیریت در سخت‌ترین شرایط، ایجاد روحیه حماسی، بهره‌گیری از عناصر الهی	رهبری در بحران	
گفتگو و روشن‌گری حتی برای دشمن، یادآوری اصول انسانی و اخلاقی، رهبری از طریق گفتگو، معرفی دقیق خود	روشن‌گری و بصیرت‌افزایی	
توجه به ارزش‌های الهی، تأکید بر اهداف بلندمدت فراتر از زمان و مکان	عاقبت‌نگری	
ترکیب عقل، عاطفه و حماسه برای تأثیرگذاری، ایجاد هم‌دلی و نفوذ در قلب‌ها	رهبری با محوریت دل و عواطف	
رعایت اصول انسانی حتی در میدان جنگ، دلسوزی	رهبری اخلاقی در جنگ	
پای بندی به اصول، استقامت بر هدف و پافشاری تا پای جان	استقامت در مسیر اصول	

جدول ۵. مضامین ابعاد و مولفه های رهبری امام حسین علیه السلام

مضمون پایه	مضمون سازماندهنده	مضمون فراگیر
بستر خیر خواهی، بستر سخت کوشی، بستر پیگیری، بستر امیدواری، بستر یاد آوری، بستر رصد لحظه های ناب	بسترهای رهبری	شرایط رهبری
بستر اجتماعی، بستر نیازمندی، بستر محرک، بستر تعاون، بستر عاطفی- تربیتی	زمینه های پیرو ساز	پیروان

نمودار نهایی پژوهش حاضر به صورت ذیل ارائه می گردد:



نتیجه گیری و پیشنهادها

عاشورا و بررسی سبک رفتاری امام حسین علیه السلام این ظرفیت را دارد که از منظرهای متفاوت مورد بررسی قرار گیرد. از منظرهای گوناگون از جمله از منظر اجتماعی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، انسان‌شناختی، مردم‌شناختی، فقه، تاریخ، سیاست می‌توان به این موضوع پرداخت. در این پژوهش تلاش گردید که از منظر مدیریت و رهبری، بیانات ایشان مورد بررسی قرار گیرد. نتایج پژوهش نشان داد که می‌توان در سه بعد رهبری، شرایط رهبری و پیروان به این موضوع نگریست. همین امر نشان دهنده جامعیت سبک رفتاری و بیانی امام حسین علیه السلام است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اصول رهبری اسلامی عبارتند از: رهبری جامع‌نگر، رهبری براساس مخاطب‌شناسی، انعطاف‌پذیری و خلاقیت در روش‌ها، الهام‌بخشی از طریق شعارها، بکارگیری ابزارهای غیر کلامی، ترکیب استدلال و عاطفه، رهبری در بحران، روشن‌گری و بصیرت‌افزایی، عاقبت‌نگری، رهبری با محوریت دل و عواطف، رهبری اخلاقی در جنگ، استقامت در مسیر اصول. شرایط رهبری نیز شامل بستر خیرخواهی، بستر سخت‌کوشی، بستر پیگیری، بستر امیدواری، بستر یادآوری، بستر رصد لحظه‌های ناب است. در بعد پیروان نیز می‌توان به این موارد اشاره کرد: بستر عاطفی-تربیتی، بستر تعاون، بستر محرک، بستر نیازمندی، بستر اجتماعی. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان پیشنهادات ذیل را برای مدیران و پژوهشگران مطرح نمود:

پیشنهادهای پژوهشی

- طراحی موردکاوی‌های مدیریتی بر اساس گزاره‌ها و یافته‌های این پژوهش
- بررسی نقش عدالت و انصاف در رهبری اسلامی بر اساس بیانات امام حسین (ع)
- تحلیل مفهوم امر به معروف و نهی از منکر در رهبری اسلامی از دیدگاه امام حسین (ع)
- نقش بصیرت و آگاهی در رهبری اسلامی با تکیه بر قیام عاشورا
- الگوی مدیریت بحران در رهبری اسلامی با الهام از رفتارهای امام حسین (ع) در کربلا
- بررسی نقش صبر و استقامت در رهبری اسلامی بر اساس آموزه‌های امام حسین (ع)
- تحلیل مفهوم ایثار و فداکاری در رهبری اسلامی از دیدگاه امام حسین (ع)

- رهبری مبتنی بر شفافیت و صداقت در نهضت عاشورا
 - مفهوم آزادی و کرامت انسانی در رهبری اسلامی بر اساس آموزه های امام حسین (ع)
- پیشنهادهای اجرایی:
- کاربست یافته های این پژوهش در سبک رهبری مدیران در سازمانها و شرکتها
 - ارائه یافته های این پژوهش در قالب دوره های آموزشی برای مدیران به ویژه مدیران دولتی
 - استخراج شاخصهای عملکردی براساس یافته های پژوهش و سنجش مدیران براساس این شاخصها
 - بکارگیری سبک رهبری گفتگو محور برای حل تعارضات سازمانی
 - ترویج فرهنگ عدالت خواهی و مبارزه با فساد در سازمانها
 - ایجاد کمیته های امر به معروف و نهی از منکر مدیران و کارکنان در سازمانها
 - تقویت بصیرت مدیران و کارکنان از طریق رسانه و آموزش
 - ترویج الگوی صبر و استقامت در مواجهه با مشکلات در سازمانها
 - راه اندازی طرح های فرهنگی برای ترویج ایثار و فداکاری در مدیریت و رهبری
 - ترویج ارزش کرامت انسانی در محیط کار و اجتماع
 - ترویج مسئولیت پذیری در سازمانها و جامعه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

قرآن

نهج البلاغه

آقایروز، علی، شفیعی، عباس، خدمتی، ابوطالب، بهشتی نژاد، محمود، مدیریت در اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۰.

ابن الطاووس، مترجم: محمد طاهر دزفولی، سوگنامه کربلا: ترجمه لهوف، قم، مومنین ۱۳۷۸.

ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال (ط - القديمة)، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۹ ق

ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للمصدق)، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.

ابن نما، جعفر بن محمد، مثير الاحزان و مثير سبيل الاشجان (در سوگ امير آزادی)، ترجمه: علی کرمی، قم، نشر حاذق، ۱۳۸۰.

ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی، نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا / ترجمه وقعه الطف، ترجمه جواد

سلیمانی، تحقیق و تصحیح: محمدهادی یوسفی غروی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰.

خامنه ای، سید علی، ۷۲ سخن عاشورایی، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰.

دانایی فرد، حسن؛ سید مهدی الوانی و عادل آذر (۱۳۸۶)، روش شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: انتشارات صفار.

رحمتی، محمد حسین؛ خنیفر، حسین، کتابی، ابراهیم، الگوی رهبری امام حسین (ع) در قیام عاشورا، فصلنامه مدیریت اسلامی، دوره ۲۴، شماره ۳ - شماره پیاپی ۳، صفحه ۱۲۹-۱۴۵، ۱۳۹۵.

رضاییان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: سمت، ۱۳۸۴.

سنگری، محمد رضا، آینه داران آفتاب پژوهش و نگارش نواز زندگی و شهادت یاران اباعبدالله الحسین علیه

السلام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل (۱) ۱۳۸۶.

سنگری، محمد رضا، آینه در کربلاست، تهران، قدیانی، ۱۳۸۸.

سنگری، محمد رضا، روز دهم ۲، تهران، خورشید باران، ۱۳۸۶ (۲).

سیف بهمن، طراحی سبک رهبری برای فرماندهان سپاه براساس دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه،

رساله دکتری، دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۹۲.

طبسی، محمدجواد، طبسی، نجم الدین، الشاوی، علی، با کاروان حسینی از مدینه تا مدینه، تهران، زمزم هدایت، ۱۳۸۳.

- عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ زاده، محمد، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی، دو فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، س ۵، ش ۲، ۱۵۱-۱۹۸، ۱۳۹۰.
- عبدالملك سعیدی؛ محمد تقی نوروزی؛ عباس شفیعی، طراحی الگوی رهبری خدمتگزار از دیدگاه قرآن، فصلنامه مدیریت اسلامی، دوره ۳۱، شماره ۲، صفحه ۸۶-۱۱، ۱۴۰۲.
- علوی، سید علی اصغر، مبانی مدیریت عاشورایی (روش شناسی و رویکردها)، با همکاری محمدعبدالحسین زاده، با مقدمه دکتر علی رضائیان، تهران، سدید، ۱۳۹۳.
- قنادان زاده، محمد حسین؛ گنجعلی، اسدالله؛ گلچین، سجاد، واکاوی ابعاد رهبری تعالی بخش علوی بر مبنای نهج البلاغه: توسعه نظریه رهبری تحول آفرین با رویکرد مدیریت اسلامی، فصلنامه مدیریت اسلامی، دوره ۳۰، شماره ۲، فصلنامه تابستان، صفحه ۶۳-۱۰۳، ۱۴۰۱.
- کریتنر، رابرت، مترجمان: داور ونوس، بهمن جمشیدی، مهرداد پرچ، اصول مدیریت (عملیات برتر)، تهران، مهربان نشر، ۱۳۸۷.
- کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، اصول الکافی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۶ق.
- گروه حدیث پژوهشکده باقر العلوم محمود شریفی و... ترجمه علی مویدی، فرهنگ جامع سخنان امام حسین ترجمه همراه متن عربی موسوعه کلمات الامام الحسین، قم، نشر معروف، ۱۳۸۳.
- لطیفی، میثم؛ منصوری، بهارک؛ عبدالحسین زاده، محمد، شناسایی و تبیین اصول مدیریت در سیره امام حسین علیه السلام و دلالت های آن برای دانش مدیریت، فصلنامه مدیریت اسلامی، دوره ۲۴، شماره ۳ - شماره پیاپی ۳، صفحه ۴۱-۱۳، ۱۳۹۵.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۸.
- مفید، محمد بن محمد، الإرشاد، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، اسلامیه، بی تا.
- مقیمی، محمد، رهبری اخلاص مدار؛ جوهره مکتب شهید سلیمانی، فصلنامه مدیریت اسلامی، دوره ۲۸، شماره ۴، صفحه ۹۲-۳۳، ۱۳۹۹.
- موسوی، سید تقی؛ توکلی، عبدالله؛ نوروزی، محمد تقی، ارائه و تحلیل الگوی رهبری تحول آفرین از منظر قرآن کریم، فصلنامه مدیریت اسلامی، دوره ۲۹، شماره ۴، صفحه ۴۹-۷۹، ۱۴۰۰.
- نظری منفرد، علی، قصه کربلا به ضمیمه قصه انتقام، قم، سرور، ۱۳۷۹.
- Dukerich, anet M., Mary Lippitt Nichols, Dawn R. Elm, and David A. Völlath, " Moral Reasoning in Groups i Leaders make a difference, Human Relácions , 43(May 1990) :473 – 493".
- House, R - J., and P. M. Podsakoff, Leadership Effectiveness: Past Perspectives and future Directions for Research in J. Greenberg (Ed.), Organizational Behavior :

- Howitt Dennis, Cramer Duncan (2007), **Introduction to Research Methods in Psychology**
Prentice Hall.
- Kreitner Robert and Angelo kinicki, **Organizational Behavior**, Sixth Edition, New York :
Mcgraw-Hill - Irwing 2004
- Miller, William H., " Leadership at a crossroads, *Industry Week* (August 19, 1996): 42-50

